

آیه ۱۰۱-۱۰۳

آیه و ترجمه

۱۰۱ قل انظروا ما ذا فی السماوات و الارض و ما تغنی الایت و النذر عن قوم لا یؤمنون

۱۰۲ فهل ینتظرون الا مثل اایام الذین خلوا من قبلهم قل فانتظروا انی معکم من المنتظرین

۱۰۳ ثم ننجی رسلنا و الذین امنوا کذلک حقا علینا ننج المؤمنین

ترجمه :

۱۰۱ - بگو نگاه کنید آنچه را (از آیات خدا و نشانه‌های توحیدش) در آسمانها و زمین است، اما این آیات و انذارها به حال کسانی که ایمان نمی‌آورند (و لجوچند) مفید نخواهد بود.

۱۰۲ - آیا آنها همانند روزهای پیشینیان را انتظار می‌کشند (و همانند بلاها و مجازاتهایشان را) بگو شما انتظار بکشید من نیز با شما انتظار می‌کشم!

۱۰۳ - سپس (به هنگام نزول بلا و مجازات) فرستادگان خود و کسانی را که به آنان ایمان می‌آوردند نجات می‌دادیم، و همین گونه بر ما حق است که مؤمنان (به تو) را رهائی بخشیم.

تفسیر :

تربیت و اندرز

در آیات گذشته سخن از این بود که ایمان باید جنبه اختیاری داشته باشد نه اضطراری و اجبار، به همین مناسبت در نخستین آیه مورد بحث راه تحصیل ایمان اختیاری را نشان می‌دهد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «(به آنها بگو درست بنگرید و ببینید در آسمان و زمین چه نظام حیرت‌انگیز و شگرفی است که هر

گوشه‌ای از آن دلیلی بر عظمت و قدرت و علم و حکمت آفریدگار است) قل انظروا ما ذا فی السماوات و الارض).

این همه ستارگان درخشان و کرات مختلف آسمانی که هر کدام در مدار خود در گردشند این منظومه‌های بزرگ و این کهکشانهای غول پیکر و این نظام دقیقی که بر سراسر آنها حکم فرما است، همچنین این کره زمین با تمام عجائب و اسرارش، و اینهمه موجودات زنده متنوع و گوناگونش، درست درساختمان همه اینها بنگرید و با مطالعه آنها به مبدء جهان هستی آشناتر و نزدیکتر شوید.

این جمله به روشنی مساله جبر و سلب آزادی اراده را نفی می کند و می گوید: ایمان نتیجه مطالعه جهان آفرینش است یعنی این کار بدست خود شما است. سپس اضافه می کند ولی با اینهمه آیات و نشانه‌های حق باز جای تعجب نیست که گروهی ایمان نیاورند، چرا که آیات و نشانه‌ها و خطرها و اندازها تنها به درد کسانی می خورد که آمادگی برای پذیرش حق دارند، اما «آنها که تصمیم گرفته اند هرگز ایمان نیاورند این امور هیچگونه اثری برایشان ندارد» (و ما تغنی الایات و النذر عن قوم لا یؤمنون). این جمله اشاره به حقیقتی است که بارها در قرآن خوانده ایم که دلائل و سخنان حق و نشانه‌ها و اندرزها به تنهایی کافی نیست، بلکه زمینه‌های مستعد و آماده نیز شرط گرفتن نتیجه است.

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۴

سپس با لحنی تهدید آمیز اما در لباس سؤال و استفهام می گوید: «آیا این گروه لجوج و بی ایمان جز این انتظار دارند که سرنوشتی همانند اقوام طغیانگر و گردنکش پیشین که گرفتار مجازات دردناک الهی شدند پیداکنند» سرنوشتی همچون فراعنه و نمرودها و شدادها و اعوان و انصارشان! (فهل ینتظرون الا مثل ایام الذین خلوا من قبلهم). و در پایان آیه به آنها اخطار می کند و می گوید: «ای پیامبر به آنها بگو اکنون که شما در چنین مسیری هستید و حاضر به تجدیدنظر نیستید شما در انتظار بمانید و ما هم با شما در انتظار خواهیم بود». شما در انتظار در هم شکستن دعوت حق، و ما در انتظار سرنوشت شوم و دردناکی برای شما، همچون سرنوشت اقوام مستکبر پیشین (قل فانتظروا انی معکم من المنتظرین).

باید توجه داشت که «استفهام» در جمله «فهل ینتظرون» استفهام انکاری است، یعنی آنها با این شیوه رفتارشان انتظاری جز فرارسیدن

یک سرنوشت شوم نمی‌توانند داشته باشند.

«ایام» گر چه در لغت جمع «یوم» به معنی روز است، ولی در اینجا به معنی حوادث دردناکی است که در دوران عمر اقوام گذشته واقع شده است. سپس برای اینکه چنین توهمی پیش نیاید که خدا به هنگام مجازات تر و خشک را با هم می‌سوزاند، و حتی یک مؤمن را در میان یک گروه عظیم سرکش و یاغی نادیده می‌گیرد اضافه می‌کند: ما پس از آماده شدن مقدمات مجازات اقوام گذشته «فرستادگان خود و کسانی را که به آنها ایمان آوردند نجات و رهایی می‌بخشیدیم» (ثم ننجي رسلنا و الذين آمنوا). و در پایان می‌گوید: این اختصاص به اقوام گذشته و رسولان و مؤمنان پیشین نداشته است بلکه «همینگونه تو و ایمان آورندگان به ترا نجات خواهیم

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۵

بخشید و این حقی است بر ما حقی مسلم و تخلف‌ناپذیر» (کذلک حقا علينا ننج المؤمنین).

آیه ۱۰۴-۱۰۷

آیه و ترجمه

۱۰۴ قل یا ایها الناس ان کنتم فی شک من دینی فلا اعبء الذین تعبدون من دون الله و لكن اعبء الله الذی یتوفئکم و امرت ان اكون من المؤمنین
۱۰۵ و ان اقم وجهک للدين حنیفا و لا تكونن من المشرکین
۱۰۶ و لا تدع من دون الله ما لا ینفعک و لا یضرک فان فعلت فانک اذا من الظالمین
۱۰۷ و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو و ان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده و هو الغفور الرحیم
ترجمه :

۱۰۴ - بگو ای مردم! اگر در عقیده من شک دارید، من کسانی را که جز خدای پرستید نمی‌پرستم، تنها خداوندی را پرستش می‌کنم که شما را می‌میراند و من مأمورم که از مؤمنان باشم.
۱۰۵ - و (به من دستور داده شده که) روی خود را به آئینی متوجه ساز که خالی از هر گونه شرک است و از مشرکان مباش.
۱۰۶ - و جز خدا چیزی را که نه سودی به تو می‌رساند و نه زیانی، مخوان، که اگر چنین کنی از ستمکاران خواهی بود.

۱۰۷ - و اگر خداوند (برای امتحان یا کیفر گناه) زیانی به تو رساند، هیچکس جز او آنرا بر طرف نمی‌سازد، و اگر اراده خیری برای تو کند هیچکس مانع فضل او نخواهد شد، آنرا به هر کس از بندگان بخواید می‌رساند و او غفور و رحیم است.

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۶

تفسیر :

قاطعیت در برابر مشرکان

این آیات و چند آیه بعد که همگی در رابطه با مسأله توحید و مبارزه با شرک و دعوت به سوی حق سخن می‌گویند، آخرین آیات این سوره است، و درواقع فهرست یا خلاصه‌ای است از بحثهای توحیدی این سوره، و تأکیدی است بر مبارزه با بت‌پرستی که در این سوره کرارا بیان شده است.

لحن آیات نشان می‌دهد که مشرکان گاهی گرفتار این توهم بودند، که ممکن است پیامبر در اعتقاد خود پیرامون بتها نرمش و انعطافی به خرج دهد، و نوعی پذیرش برای آنها قائل گردد، و آنان را در کنار عقیده به خدا به گونه‌ای قبول کند.

قرآن با قاطعیت هر چه تمامتر به این توهم بی‌اساس پایان می‌دهد، و فکر آنها را برای همیشه راحت می‌کند که هیچگونه سازش و نرمشی در برابر بت‌معنی ندارد، و جز «الله» معبودی نیست، تنها «الله» «نه یک کلمه بیشتر، نه یک کلمه کمتر».

نخست به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد که تمام مردم را مخاطب ساخته «بگو ای مردم اگر شما در اعتقاد من شک و تردیدی دارید آگاه باشید که من کسانی را که - غیر از خدا - پرستش می‌کنید، هرگز نمی‌پرستم» (قل یا ایها الناس ان کنتم فی شک من دینی فلا اعبد الذین تعبدون من دون الله).

تنها به نفی معبودهای آنان قناعت نمی‌کند بلکه برای تأکید بیشتر، تمام پرستش را برای خدا اثبات کرده و می‌گوید: «ولی خدائی را می‌پرستم که شما را می‌میراند» (و لکن اعبد الله الذی یتوفیکم).

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۷

و باز برای تأکید افزون‌تر می‌گوید: این تنها خواسته من نیست بلکه

«این فرمانی است که به من داده شده است که از ایمان آورندگان به
«الله» بوده باشم» (و امرت ان اکون من المؤمنین).

اینکه در میان صفات خدا تنها در اینجا روی مسأله قبض روح و میراندن تکیه
شده، یا به خاطر آن است که انسان در هر چه شک کند در مرگ نمی تواند
تردید داشته باشد، و یا به خاطر اینکه آنها را به مسأله مجازات و عذابهای
هلاک کننده ای که در آیات قبل به آن اشاره شده بود متوجه سازد، و تلویحا به
خشم و غضب خداوندی تهدید نماید.

پس از آنکه اعتقاد خود را درباره نفی شرک و بت پرستی با قاطعیت بیان کرده
بیان دلیل آن می پردازد، دلیلی از فطرت، و دلیلی از عقل و خرد.

«بگو به من دستور داده شده که روی خود را به آئین مستقیمی بدار که از هر
نظر خالص و پاک است» (و ان اقم وجهک للدين حنیفا).

در اینجا نیز تنها به جنبه اثبات قناعت نکرده بلکه برای تاکید، طرف مقابل آن
را نفی کرده می گوید: «و هرگز و بطور قطع از مشرکان نباش!» (و
لاتکونن من المشرکین).

«حنیف» چنانکه در سابق نیز گفته ایم به معنی کسی است که
از «انحراف» به راستی و استقامت می گراید، و یا به تعبیر دیگر از آئینها
و روشهای منحرف چشم می پوشد و متوجه آئین مستقیم خداوند
می شود، همان آئینی که موافق فطرت است، و به خاطر همین موافقتش با
فطرت صاف و مستقیم است.

بنابراین یکنوع اشاره به فطری بودن توحید در درون آن نهفته است، چرا
که انحراف چیزی است که بر خلاف فطرت باشد (دقت کنید).

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۸

پس از اشاره به بطلان شرک از طریق فطرت، اشاره به یک دلیل روشن
عقلی می کند و می گوید دستور داده شده است که «غیر از خدا اشیائی را که
نه سودی به تو می رساند، نه زیانی، پرستش مکن، چرا که اگر چنین
کاری کردی، از ستمگران خواهی بود» هم به خویشتن ستم کرده ای و هم
به جامعه ای که به آن تعلق داری (و لا تدع من دون الله ما لا ینفعک و لا
یضرک فان فعلت فانک اذا من الظالمین).

کدام عقل و خرد اجازه می دهد که انسان به پرستش اشیاء و موجوداتی بپردازد
که هیچگونه سود و زیانی ندارند، و در سرنوشت انسان کمترین تأثیری

نمی‌توانند داشته باشند.

در اینجا نیز تنها به جنبه نفی قناعت نمی‌کند، و علاوه بر جنبه نفی روی جنبه اثبات نیز تکیه کرده، می‌گوید: «اگر ناراحتی و زیانی از طرف خدا به تو برسد (خواه برای مجازات باشد و یا به خاطر آزمایش) هیچکس جز او نمی‌تواند آن را برطرف سازد» (و ان یمسک الله بضر فلا کاشف له الا هو). همچنین «اگر خداوند اراده کند خیر و نیکی به تو برساند، هیچکس توانائی ندارد که جلو فضل و رحمت او را بگیرد» (و ان یردک بخیر فلا راد لفضله). «او هر کس از بندگان را اراده کند (و شایسته بداند) به نیکی می‌رساند» (یصیب به من یشاء من عباده). چرا که آمرزش و رحمتش همگانرا در بر می‌گیرد «و او است غفور رحیم» (و هو الغفور الرحیم).

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۹۹

آیه ۱۰۸-۱۰۹

آیه و ترجمه

۱۰۸ قل یا ایها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فانما یتهدی لنفسه و من ضل فانما یضل علیها و ما اءنا علیکم بوکیل
۱۰۹ و اتبع ما یوحی الیک و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحکمین
ترجمه :

۱۰۸ - بگو ای مردم حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده، هر کس (در پرتو آن) هدایت یابد برای خود هدایت شده، و هر کس گمراه گردد به زیان خود گمراه شده، و من ماءمور (به اجبار) شما نیستم.
۱۰۹ - و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیباش (و استقامت‌نما) تا خداوند فرمان (پیروزی را) صادر کند و او بهترین حاکمان است.

تفسیر :

آخرین سخن

این دو آیه که یکی اندرزی است به عموم مردم، و دیگری به خصوص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، دستورهایی را که خداوند در این دوزمین در سراسر این سوره بیان داشته است، تکمیل می‌کند، و با آن سوره یونس پایان می‌یابد.

نخست به عنوان یک دستور عمومی می‌فرماید: «به همه مردم بگو از طرف

پروردگارتان حق به سوی شما آمده است» این تعلیمات، این کتاب آسمانی، این برنامه و این پیامبر همه حق است و نشانه‌های حق بودنش آشکار (قل یا ایها الناس قد جائکم الحق من ربکم).

و با توجه به این واقعیت «هر کس در پرتو این حق هدایت شود، به سود خود هدایت یافته، و هر کس با عدم تسلیم در برابر آن راه گمراهی را برگزیند به زیان خود گام برداشته» (فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه و من ضل فانما

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۴۰۰

یضل علیها).

«و من مامور و وکیل و نگاهبان شما نیستم» (و ما انا علیکم بوکیل). یعنی نه وظیفه دارم که شما را به پذیرش حق مجبور کنم، چرا که اجبار در پذیرش ایمان معنی ندارد، و نه اگر نپذیرفتید می‌توانم شما را از مجازات الهی حفظ کنم، بلکه وظیفه من دعوت است و تبلیغ، و ارشاد و راهنمایی و رهبری، و اما بقیه بر عهده خود شما است، که به اختیار خود راهتان را برگزینید.

این آیه علاوه بر اینکه بار دیگر مسأله اختیار و آزادی اراده را تأکید می‌کند دلیل بر این است که پذیرش حق در درجه اول به سود خود انسان است همانگونه که مخالفت با آن به زیان خود او است، در واقع تعلیمات رهبران الهی و کتب آسمانی کلاسهای است برای تربیت و تکامل انسانها، نه موافقت با آن چیزی بر عظمت خدا می‌افزاید، و نه مخالفت با آن چیزی از جلال او می‌کاهد!

سپس وظیفه پیامبر را در دو جمله تعیین می‌کند نخست اینکه «باید تنها از آنچه به تو وحی می‌شود پیروی کنی» (و اتبع ما یوحی الیک). مسیر راهت را خدا از طریق وحی تعیین کرده است و کمترین انحراف از آن برای تو مجاز نیست.

دیگر اینکه در این راه مشکلات طاقت‌فرسا و ناراحتیهای فراوان در برابر تو است، باید از انبوه مشکلات ترس و هراسی به خود راه ندهی، «باید صبر و استقامت و پایداری پیشه کنی، تا خداوند حکم و فرمان خود را برای پیروزی تو بر دشمنان صادر کند» (و اصبر حتی یحکم الله)

«چرا که او بهترین حاکمان است، فرمانش حق و حکمش عدالت، و وعده‌اش تخلف‌ناپذیر» (و هو خیر الحاکمین).

پروردگارا! تو به بندگان خویش به آنها که در راه تو جهاد می کنند،
جهادی تواءم با اخلاص و ایمان، به آنها که در راه تو صبر و استقامت و پایمردی
به خرج می دهند، وعده پیروزی داده ای.
خداوندا! در این لحظات و در آستانه تشکیل حکومت اسلامی، انبوهی
از مشکلات ما را احاطه کرده است، و ما به توفیق و عنایت تو از مجاهده
و استقامت باز نمی ایستیم.
بارالها! تو هم به لطف ابرهای تیره و تار مشکلات را برطرف ساز، و ما را
به اشعه حیات بخش حق و عدالت بنواز آمین یا رب العالمین.
۱۸ رجب ۱۳۹۹ - ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۸.

↑ فرست

→ قبل